



مقالات و اعلامیه های برگزیده از کار ۲۲۵ - چهارشنبه ۶ بهمن ۱۳۷۸

سرمقاله

انتخابات دوره ششم مجلس شورا و مواضع ما

یادداشت

رای به رفسنجانی، رای علیه دوم خرداد است

هیات‌های نظارت شورای نگهبان

صلاحیت بیش از هفتصد کاندیدا را رد کردند

((سیاستمدار معتدل)) مشت خود را باز می‌کند!

به ادعاهای خودتان هم پای‌بند نیستید؟!

به اسلامی که توجیه‌گر استبداد و تقدیس‌کننده

خشونت و سرکوب و قتل‌های زنجیره‌ای باشد،

نه اعتقاد دارم و نه التزام

درگیری و اعتصاب کارگری در چندین شهر کشور!

کوروش فولادی: افشا خواهیم کرد

تظاهرات مردم تبریز به حمایت از چهرگانی

بزرگداشت پنجمین سالگرد درگذشت

مهدی بازرگان برگزار شد

پیام مشترک

خودسری‌های شورای نگهبان را پایانی نیست!

با کار تماس بگیرید

سرمقاله

انتخابات دوره ششم مجلس شورا و مواضع ما

به آستانه انتخابات مجلس ششم رسیده‌ایم. این بار نه تنها جناح‌های حکومتی و تشکل‌های وابسته به آنها، بلکه طیفی از نیروهای سیاسی غیرحکومتی نیز در این انتخابات بطور فعالانه وارد شده و در جهت تاثیرگذاری بر آن کوشیده‌اند. این خود نشانه اهمیت انتخابات دوره ششم مجلس شورا در روندهای سیاسی کشور است که به اندازه کافی درباره آن سخن گفته شده و همه بر این موضوع آگاهند که نتیجه انتخابات تاثیرات معینی که می‌تواند هم بسیار پردامنه باشد در روند توسعه سیاسی در کشور خواهد داشت.

با توجه به همین موضوع، اکثر احزاب و سازمان‌های سیاسی کشور خواستار تامین شرایط دموکراتیک برای شرکت در این انتخابات و تاثیرگذاری در روندهای سیاسی کشور، شده‌اند. اما این بار نیز این انتخابات علیرغم اهمیت آن، بدون حضور احزاب سیاسی اپوزیسیون برگزار می‌شود. هیات‌های نظارت شورای نگهبان، کاندیداهای نهضت آزادی و بخشی از کاندیداهای جریان‌های پیشرو اصلاح‌طلبان حکومتی و چهره‌های شاخص آنها را بویژه در شهرستان‌ها حذف نموده‌اند و به دیگر احزاب سیاسی اساساً اجازه شرکت در این انتخابات را نداده‌اند. از همین روست که این انتخابات نیز همانند انتخابات دوره‌های قبلی مجلس، انتخابات دموکراتیکی نیست و فاصله زیادی با انتخابات آزاد واقعی که مردم در آن بدون دخالت دیگران نمایندگان خود را انتخاب می‌کنند، دارد. رقابت انتخاباتی تنها بین جناح اقتدارگرا و خشونت‌طلب از یکسو و بخشی از جریان‌های اصلاح‌طلب حکومتی جریان دارد. ما این انتخابات را غیردموکراتیک می‌دانیم و معتقدیم که قوانین و مقررات انتخابات باید دگرگون شود و حق شرکت برای تمام احزاب و سازمان‌های سیاسی در انتخابات فراهم گردد.

با این حال ما هم همانند نیروهای آزادی‌خواه و اصلاح‌طلب کشور معتقدیم که تغییر ترکیب نمایندگان مجلس به زیان نیروهای اقتدارگرا، می‌تواند در محدود کردن اقدامات آنها علیه اصلاحات و در تسهیل روند پیشرفت توسعه سیاسی در کشور موثر افتد. بنظر ما شرکت وسیع مردم در انتخابات، امکان شکست مخالفین اصلاحات سیاسی و پیروزی طرفداران توسعه سیاسی را بالا خواهد برد و موقعیت مخالفین اصلاحات را در جامعه و حکومت تضعیف خواهد کرد.

اکنون صف‌بندی آشکاری بین موافقین و مخالفین اصلاحات، بین اقتدارگرایان و طرفداران توسعه سیاسی شکل گرفته است. مخالفین اصلاحات برای ایجاد اغتشاش در ذهنیت مردم، برای کند و منحرف نمودن اصلاحات سیاسی و برای تقویت مواضع خود و ایجاد شکاف در بین اصلاح‌طلبان حکومتی، راه را برای شرکت رفسنجانی در انتخابات باز نمودند و از کاندیداتوری وی حمایت کرده و وی را در راس لیست خود قرار دادند.

بنظر ما رفسنجانی مشخصاً برای مهار روند اصلاحات سیاسی و فرهنگی وارد میدان شده است و با حمایت اقتدارگرایان می‌خواهد مانع پیشرفت توسعه سیاسی در کشور گردد. ما اقدام نیروهای چپ مذهبی را در اجتناب از قرار دادن نام وی در لیست کاندیداتوری‌شان موضع درست و بجا می‌دانیم. در این موضع‌گیری لازمست حساب بخشی از کارگزاران را از رفسنجانی و باند وی جدا کرد.

دعوت ما این است که اگر در صحنه سیاسی کشور دگرگونی غیرمنتظره اتفاق نیفتد، مردم در این انتخابات بطور گسترده‌ای شرکت جویند، به نیروهای اقتدارگرا و خشونت‌طلب و از جمله به کاندیدای شماره یک آنان، هاشمی رفسنجانی جواب ((نه)) بدهند و رای خود را به نفع کسانی در صندوق‌ها بریزند که از خواست‌های جنبش آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه در کشور دفاع می‌کنند.

به نظر ما مجلسی یک مجلس اصلاح‌طلب است که قوانینی را در زمینه‌های زیر به تصویب برساند و مصرانه اجرای آنها را پیگیری نماید:

- آزادی بیان، اندیشه و مطبوعات؛ حمایت از مطبوعات مستقل و منتقد،
- فعالیت آزادانه احزاب سیاسی کشور،
- فعالیت آزادانه سندیکاها و کارگری و تشکل‌های صنفی و دموکراتیک،
- لغو نظارت استصوابی و تغییر قانون انتخابات در جهت واقعی ساختن حق انتخاب مردم،
- حمایت از برنامه‌های اقتصادی برای بهسازی زندگی مردم.

یادداشت

رای به رفسنجانی، رای علیه دوم خرداد است

نامزدی رفسنجانی در انتخابات مجلس ششم، به یکی از موضوعات اصلی مبارزه سیاسی در ایران تبدیل شده است. از یک سو، جناح حاکم رژیم با استفاده از همه امکانات سیاسی و تبلیغاتی می‌کوشد رئیس اسبق مجلس، رئیس جمهور سابق و رئیس فعلی مجمع تشخیص مصلحت را به عنوان نماینده تهران به مجلس بفرستد. خلاف همه مقامات دولتی دیگر، رئیس مجمع تشخیص مصلحت به حکم مجلس از دادن استعفا برای شرکت در انتخابات معاف شد. بدین ترتیب، رفسنجانی با سواستفاده از همه امکاناتی که مقام کلیدی او در حکومت ایجاد می‌کند، به طور مکرر بر روی صفحه تلویزیون ظاهر می‌شود و غیر مستقیم برای خود تبلیغ می‌کند. تلویزیون دولتی، هنگامی که رئیس جمهور سابق وارد رقابت انتخاباتی مجلس شد، با آب و تاب مصاحبه‌های مطبوعاتی او را پخش کرده است. هر چند هفته یک بار، رفسنجانی با سو استفاده از تریبون نماز جمعه تهران، تبلیغات انتخاباتی خود را پیش می‌برد، از جمله در روز جمعه اول بهمن. وی در این روز به کسانی که ((خدمات گذشته را زیر سؤال می‌برند)) به شدت حمله کرد و با کنایه‌های آشکار و رذیلانه به حزب مشارکت که نمی‌خواهد رفسنجانی را در لیست انتخاباتی خود بگذارد گفت: ((آنها که امروز سعی می‌کنند بگویند مشارکت از امروز شروع شده... چه هدفی را تعقیب می‌کنند؟... چرا رادیو انگلیس، رادیو آمریکا و رادیو اسرائیل حرف‌های اینها را به طور مکرر برای مردم باز می‌کنند؟))

از سوی دیگر، رفسنجانی در نزد اصلاح‌طلبان واقعی و مردم به قدری آبروباخته است که مخالفت با راه یافتن مجدد او به مجلس ابعاد بی‌سابقه‌ای به خود گرفته و حتی افرادی مانند هادی غفاری را واداشته است اعلام کنند نه در خود انتخابات و نه برای ریاست مجلس به رفسنجانی رای نخواهند داد. سخنگویان حزب مشارکت که از طرفداران خاتمی رئیس جمهور تشکیل شده است، تا کنون بارها تاکید کرده‌اند نام رفسنجانی در فهرست نامزدهای این حزب نخواهد بود. عباس عبدی از اعضای این حزب هفته گذشته به درستی گفت که رفسنجانی و جناح راست در حال حاضر اختلاف چندانی با هم ندارند. رفسنجانی نیز مانند سران جناح راست پیوسته از لزوم تبعیت از روحانیت سخن می‌گوید و حملات خود را متوجه اصلاح‌طلبان کرده‌است.

در حالی که مرزبندی بین اصلاح‌طلبان واقعی و دشمنان اصلاحات بر سر کاندیداتوری رفسنجانی هر چه آشکارتر می‌شود، در این میان نیروهایی نیز هستند که می‌کوشند موضعی میانه اتخاذ کنند. برخی از نیروهای حکومتی که در گذشته در مجموع با جنبش دوم خرداد همراهی نشان داده‌اند، با این محاسبه که رفسنجانی به مجلس راه خواهد یافت و رئیس مجلس خواهد شد، می‌کوشند خود را به آماج کینه این توطئه‌گر کهنه‌کار تبدیل نکنند. برخی دیگر از نیروهایی که از جناح راست حکومت محسوب نمی‌شوند، گذشته و منافع مشترکی با رفسنجانی دارند. از این جمله است جناح نیرومندی در حزب کارگزاران سازندگی که به قول محمدرضا خاتمی از رهبران حزب مشارکت، مواضع خود را با مواضع و منافع رفسنجانی تنظیم می‌کنند. خویشاوندان نزدیک رفسنجانی مانند برادر و دختر او که این روزها از خشم کف بر لب آورده‌اند و به مخالفان بزرگ خانواده‌شان می‌تازند، هسته اصلی گروه طرفدار ((سردار سازندگی)) در حزب کارگزاران را تشکیل می‌دهند. اینان آن قدر از اصلاح‌طلبان کینه به دل گرفته‌اند که تقریباً هر روز موضع تند جدیدی از آنها علیه مخالفان رهبرشان منتشر می‌شود. به نظر می‌رسد خانواده رفسنجانی، کشور را ملک طلق خود می‌داند و از هر کس که این موقعیت را زیر سؤال ببرد، به شدت عصبانی است. این عصبانیت به حدی است که علناً دامن جناح مقابل در حزب کارگزاران را نیز گرفته است. پس از سخنان جنجالی فائزه هاشمی علیه ((غضنفر))‌های داخل حزب کارگزاران، محمد هاشمی نیز اختلافات داخلی حزب کارگزاران را به صفحات روزنامه‌ها کشاند.

ترکیب ناهمگون حزب کارگزاران، نتیجه منطقی تاریخچه این حزب است. گروه کارگزاران از تکنوکرات‌هایی تشکیل شد که از آغاز ریاست جمهوری رفسنجانی در دولت او شرکت کردند. برخی از آنها صرفاً برای کسب و حفظ قدرت پیرامون رفسنجانی گرد آمدند و برخی دیگر که ضروریات اداره کشور را با ادامه سیاست‌های دوره جنگ مغایر می‌دیدند، کوشیدند با تکیه بر حمایت رفسنجانی، برخی تغییرات به ویژه در عرصه اقتصادی را پیش برند. همین ترکیب انگیزه‌ها، گروه کارگزاران را به سخنگوی گروه جدیدی از صاحب منصبان جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران حول و حوش حکومت تبدیل کرد که شعار ((ثروتمند شویم)) را جایگزین سیاست‌های

افراطی قبلی کردند. رفسنجانی هنوز هم ((سیاست تعدیل)) دوره زمامداری خود را که جز اقلیتی کوچک، کسی از آن بهره نبرد، به عنوان راه بهبود زندگی به‌خورد مردم می‌دهد.

با اینکه عمده تلاش کارگزاران در دوره رفسنجانی متوجه لیبرالیزه کردن اقتصاد به منظور سود بردن این گروه جدید بود، برخی از نیروهای این جریان اعتقاد یافتند که لیبرالیزه کردن اقتصاد، بدون حد معینی از گشایش فرهنگی ممکن نیست. عمدتاً این گروه از کارگزارانند که با رئیس‌جمهور شدن خاتمی تحت شعار توسعه سیاسی و جامعه مدنی، به همراهان جنبش دوم خرداد پیوستند.

مهمترین انگیزه رفسنجانی در حمایت از گروه صاحب‌منصبانی که بعداً کارگزاران را تشکیل دادند، تحکیم قدرت فردی خود بود. رفسنجانی در حیات سیاسی خود نشان داده است که برای او کسب و حفظ قدرت، از همه چیز مهم‌تر است. او در زمان حیات خمینی که گروه موسوم به خط امامی‌ها دست بالا را در حکومت داشت، خود را با این دسته همراه نشان می‌داد و در نماز جمعه تقریباً هر هفته از عدالت اجتماعی دم می‌زد. وقتی خمینی مرد و روحانیت محافظه‌کار با یک شبه کودتا و علم کردن مترسکی به نام خامنه‌ای به جناح مسلط تبدیل شد، رفسنجانی در کنار زدن ((خط امامی))ها از مقامات کلیدی با محافظه‌کاران همداستان گردید. با این حال او که می‌دانست به خاطر گذشته‌اش مورد اعتماد روحانیت محافظه‌کار نیست و رنگ عوض کردنش را باور نمی‌کنند، کوشید در راس گروه جدیدی که بدان اشاره رفت قرار گیرد و پیوندهای خود را با طرفداران مشی لیبرالیزه کردن اقتصاد محکم کند.

جناح راست پس از آنکه با کمک رفسنجانی از شر ((خط امامی‌ها)) در حکومت راحت شد، تصمیم به کنار زدن رفسنجانی و اطرافیان او گرفت. در مجلس چهارم، زمزمه‌های مخالفت با رفسنجانی از سوی محافظه‌کاران شروع شد. آنان از تغییر قانون اساسی و انتخاب رفسنجانی به ریاست جمهوری برای بار سوم، جلوگیری کردند و می‌رفتند که با گماشتن ناطق نوری بر مسند ریاست جمهوری، انحصاری کردن قدرت خود را تکمیل کنند که رفسنجانی باز به یاد جناح چپ حکومت افتاد. برخی از شخصیت‌های موثر کارگزاران مانند کرباسچی، در انتخابات دوم خرداد به سود خاتمی فعالیت کردند و در عوض، خاتمی بخشی از پست‌های دولت خود را به آنان داد. ضمن آنکه برخی از اعضای کارگزاران با اعتقاد به برخی اصلاحات، با دوم خرداد همراهی کردند.

پس از دوم خرداد، رفسنجانی به پشت پرده سیاست رفت. وی وقتی دریافت که در صورت پیشرفت روند اصلاحات، موقعیت او نیز به عنوان یکی از مسئولین اصلی بیست سال سیاست‌های ضد‌مردمی زیر سؤال خواهد رفت، به مخالفان جنبش دوم خرداد پیوست و از جمله در جریان سرکوب قیام دانشجویی تیرماه امسال نقش فعالی در هماهنگ کردن سران حکومت ایفا نمود. جناح راست اکنون که اکثریت خود در مجلس را در خطر می‌بیند، بار دیگر به رفسنجانی متوسل شده و او را به صحنه آورده است. تاکنون هیچگاه مانند امروز نقش رفسنجانی در پاسداری از استبداد و مخالفت در برابر روند اصلاحات برای مردم روشن نشده بود. هر روز آشکارتر می‌شود که رای به رفسنجانی، رای علیه دوم خرداد است.

آن دسته از اعضای حزب کارگزاران که نمی‌خواهند سرنوشت خود را به سرنوشت رفسنجانی گره بزنند، تا دیر نشده باید با موضعگیری صریح و قاطع به نفع روند اصلاحات و مرزبندی آشکار با جناح راست، نشان دهند که مانند رفسنجانی این‌الوقت نیستند و به آنچه در طرفداری از دوم خرداد می‌گویند، واقعا اعتقاد دارند.

هیات‌های نظارت شورای نگهبان صلاحیت بیش از هفتصد کاندیدا را رد کردند

همزمان با تلاش‌های گسترده‌ای که برای باطل کردن تصمیمات هیات‌های نظارت شورای نگهبان صورت می‌گیرد، و اعتراضات گسترده‌ای که در جامعه علیه رد صلاحیت بیش از هفتصد کاندیدای نمایندگی مجلس در حال شکل‌گیری است، اواخر هفته گذشته خبر رسید شورای نگهبان علاوه بر افراد فوق، صلاحیت یک صد نفر دیگر از کاندیداها را نیز رد کرده است. این خبر هنوز به صورت رسمی اعلام نشده است، اما روزنامه‌های تهران آن را به نقل از اخباری که در راهروهای مجلس دهان به دهان گفته می‌شود، نقل کرده‌اند.

ملاقات محرمانه؟

به دنبال اعلام نظر هیات‌های نظارت شورای نگهبان در مورد رد صلاحیت بیش از هفتصد و پنجاه نماینده، و

تقاضاهای فراوان از رئیس جمهور، برای دخالت در روند گسترده نقض حقوق شهروندی، آقای رئیس جمهور با اعضای شورای نگهبان دیدار کرد. از نتایج این دیدار خبرهای محدودی در روزنامه‌ها درج شده است. مطابق ((گفته می‌شود))ها، در این ملاقات رئیس جمهور سه شرط را در برابر اعضای شورای نگهبان گذاشته است که ظاهراً با این شروط موافقت شده است. این سه شرط عبارتند از:

۱. اتهاماتی که هیات‌های نظارت برای رد صلاحیت‌ها مطرح می‌کنند، اگر قبلاً در دادگاه حکمی برای مجازات فرد صادر نشده باشد، ملاک عمل قرار نگیرد.
۲. دو نفر متشرع حذف شوند. (لازم به توضیح است که شورای نگهبان فرم‌هایی جهت استعلام در اختیار دو نفر متشرع قرار داده و نظر آن‌ها را از جمله ملاک‌های تعیین صلاحیت قرار داده است).
۳. کاندیداهایی که تاکنون هیات‌های نظارت آن‌ها را تایید کرده است، توسط شورای نگهبان رد صلاحیت نشوند.

این ملاقات بیشتر پنهانی و عدم اطلاع‌رسانی کافی در مورد آن از سوی نهاد ریاست جمهوری و همچنین عدم موضع‌گیری صریح رئیس جمهور در قلع و قمع گسترده کاندیداها از سوی شورای نگهبان، واکنش‌های متفاوتی را در جامعه ایجاد کرده است و نارضایتی مردم و بخش رادیکال اصلاح‌طلبان را برانگیخته است، به ویژه این که اخبار منتشر شده حاکی از آن است که شورای نگهبان این بار نیز به قول و قرارهای خود وفا نکرده و گروه دیگری از کاندیداها را نیز رد صلاحیت کرده است.

تیغ تصفیه متوجه ((رادیکال))ست

در حالی که بسیاری از اصلاح‌طلبان حکومتی در این ارزیابی متفوق‌القولند که شورای نگهبان نسبت به تصفیه‌های گسترده دوره‌های پیشین، که تا نیمی از کاندیداها را در برمی‌گرفت، ((با مسئولیت بیشتری)) عمل کرده است، اما واقعیت این است که تیغ تصفیه‌ها این بار نه از لحاظ کمی، بلکه از نظر کیفی بیرحمانه عمل کرده است.

((تعداد اندک)) رد صلاحیت‌شدگان به نسبت انتخابات پیشین، نشانه هیچگونه بهبودی در عملکرد مستبدانه شورای نگهبان نیست. روحانیون مستبدی که در این شورا نشست‌اند و به جای ۶۰ میلیون ایرانی تصمیم می‌گیرند، با توجه به جو ملتهب و برانگیخته جامعه ترجیح دادند این بار تیغ نظارت استصوابی را درست در آن جاهایی به کار اندازند، که حاکمیت محافظه‌کاران مرتجع را به واقع تهدید می‌کند.

تصفیه‌ها بطور روشن متوجه حذف جریان رادیکال‌تر اصلاحات در ایران بوده است. تقریباً همه کاندیداهای غیروابسته به حکومت که به نام ((ملی - مذهبی)) معروف شده‌اند، کاندیداهای وابسته به جریان روشنفکری دینی، که برنامه روشنی را برای ادامه اصلاحات ارایه داده است و همچنین کاندیداهای دفتر تحکیم وحدت، که بیانگر تمایلات رادیکال دانشجویان در شرایط کنونی بوده‌اند، از تیغ تصفیه شورای نگهبان در امان نمانده‌اند.

اکثر کاندیداهای ((ملی - مذهبی)) از جمله مهندس عزت‌الله سحابی، حبیب‌الله پیمان، کاندیداهای وابسته به نهضت آزادی مثل دکتر یزدی، محمد توسلی و دیگر کاندیداهای غیر حکومتی نظیر فریبرز رئیس‌دانا، محقق و اندیشمند چپ حذف شده‌اند. عبدالله نوری، عباس عبدی، هاشم آغاجری، حمیدرضا جلایی‌پور و اعظم طالقانی، مشهورترین کاندیداهای وابسته به جناح اصلاح‌طلب حکومت هستند که در تهران رد صلاحیت شدند. بسیاری از کاندیداهای دفتر تحکیم وحدت، و همچنین جریان روشنفکری دینی و روزنامه‌نگاران نیز در زمره تصفیه‌شدگان هستند.

تیغ تصفیه‌ها در شهرستان‌ها تیزتر عمل کرده است. بعد از کاندیداهای خارج از حکومت، بیشترین تصفیه‌ها، متوجه حزب مشارکت اسلامی بوده است. بنا بر اخباری که در روزنامه‌ها درج شده است، صلاحیت ده درصد کاندیداهای این حزب در شهرستان‌ها رد شده است. کاندیداهای وابسته به کارگزاران سازندگی در میان اصلاح‌طلبان حکومتی از بیشترین مصونیت برخوردار بوده‌اند.

اکثریت قریب به اتفاق کسانی که توسط هیات‌های نظارت رد صلاحیت شده‌اند، شامل بند یک ماده ۲ و بند ۴ ماده ۳۰ شده‌اند. بند یک ماده ۲، شامل کسانی است که به جرم اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران محکوم شده‌اند و بند ۴ ماده ۳۰ اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران تعریف شده است.

شرکت می‌کنیم!

نیروهای ملی - مذهبی و تشکلهای دانشجویی، پرشمارترین و تندترین اعتراضات را علیه حذف کاندیدها صورت داده‌اند. با این حال شخصیت‌های برجسته این جریان‌ها تاکید کرده‌اند علیرغم حذف گسترده کاندیدهای آنها، باز در انتخابات شرکت خواهند کرد. ۱۱۵ نفر از شخصیت‌های ملی و مذهبی با انتشار اطلاعیه مشترکی ((رد صلاحیت وسیع نیروهای ملی - مذهبی، مستقل و اصلاح‌طلبان دوم خردادی را محکوم)) کرده و آن را خلاف قانون و مصالح ملی اعلام کردند. این نیروها در عین حال تاکید کردند ((علیرغم آن که رد صلاحیت این نامزدها را خدش‌های جدی به آزادی و سلامت انتخابات می‌دانیم، اما به حرکت انتخاباتی خود ادامه می‌دهیم)).

کمترین اعتراضات از سوی حزب کارگزاران سازندگی صورت گرفته است. جانشین دبیر کل این حزب، در اوج اعتراضات علیه تصفیه‌های گسترده، حتی به نوعی به دفاع از عملکرد شورای نگهبان پرداخت و گفت: هر نظام چارچوب و ضوابط خاصی را داراست که قانون اساسی آن را تعیین می‌کند. این نمی‌شود کسانی که قصد ورود به مجلس را دارند خود را خارج از چارچوب قانون قرار دهند.

کاندیدهای جامعه روحانیت مبارز

جامعه روحانیت مبارز فارغ از بیم و امیدهای گروه‌های رقیب در مورد رد صلاحیت کاندیدهایشان از سوی شورای نگهبان، و با خاطری آسوده از این که هیچ یک از افرادش رد صلاحیت نخواهند شد، اسامی کاندیدهای خود در تهران را اعلام کرد. این افراد عبارتند از: هاشمی‌رفسنجانی، موحدی کرمانی، مجتهد شبستری، حسن روحانی، حداد عادل، دکتر مرندی، رضا اکرمی، دکتر الهام، دکتر احمدی‌نژاد، مهندس آل‌اسحاق، مهندس باهنر، احمد توکلی، رضا تقوی، دانش جعفری، مهندس جهرمی، سیدعلی‌اکبر حسینی، مرضیه وحیددستجردی، نفیسه فیاض‌بخش، قائم‌مقامی، لاریجانی، موحدی ساوجی، مرتضی نبوی، منیره نوبخت، رهگذر، محسن رضایی، خانم رهبر، عباس شیبانی، شهاب‌الدین صدر، دکتر عباسپور و دکتر غفوری‌فرد.

((سیاستمدار معتدل)) مشت خود را باز می‌کند!

حمله بی‌سابقه هاشمی رفسنجانی

به اصلاح‌طلبان و روشنفکران دینی

هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه هفته گذشته در تهران، جریان اصلاحات در ایران را بطور آشکار و بی‌سابقه‌ای مورد حمله قرار داد. او که بعد از کاندیدا شدن برای انتخابات مجلس، تریبون‌های عمومی، نماز جمعه، رادیو و تلویزیون را به تیول شخصی خود تبدیل کرده و هر روز به بهانه‌ای از این تریبون‌های عمومی سواستفاده می‌کند، در یکی از بی‌سابقه‌ترین حملات خود به جریان اصلاح‌طلبی و روشنفکری دینی در ایران، نشان داد که دشمن کینه‌توز اصلاحات باقی مانده است و جناح محافظه‌کار در یاری جستن از او برای شکست جنبش اصلاح‌طلبی در ایران اشتباه نکرده است. سخنرانی رفسنجانی در عین حال بیانگر این واقعیت بود که افشاگری پیگیر اصلاح‌طلبان رادیکال، تا چه حد بر او گران آمده و نگرانش ساخته است، که این بار خلاف رویه همیشگی خود، شمشیر را از رو بسته و با امکانات عظیمی که در اختیار دارد، به جنگ مخالفین آمده است.

او در حالیکه بطور صریح جنبش روشنفکری دینی ایران را موردنظر داشت، آنان را حتی ((مامور)) نامید و گفت: ((من خیلی صریح می‌بینم که امروز متأسفانه جمعی از افرادی که یا آگاهند یا ناآگاهند و یا مامورند، یا خدمتکار بی‌اجرند، دارند سیاست جدایی دین را از سیاست دنبال می‌کنند و این مساله امروز جدی است)). رفسنجانی افزود: ((جدایی دین از سیاست را یک وقتی چند نفری از آدم‌های منزوی و شکست‌خورده در گوشه و کنار مطرح می‌کردند، اما امروز کسانی که زبان، تریبون، قلم و روزنامه دارند، صریحاً این کار را می‌کنند و می‌گویند)).

هاشمی در حالیکه به اتهامات اصلاح‌طلبان در مورد نقش و مسئولیت وی در ادامه جنگ پاسخ می‌داد، افزود: ((این خیانت بسیار بسیار بزرگی است که ما بنویسم جنگ یک بلا بوده است و آن را نقطه ضعفی برای انقلاب مطرح کنیم. این چه خدمتی است؟ به چه کسی خدمت می‌کنی؟ به خصوص اگر بالای سرش هم تابلوی خط امام بگذاریم و امام را زیر سوال ببریم؟ این خدمت به جامعه است یا خدمت به انگلیس و آمریکا؟)) وی افزود: ((در

شرایطی که جنازه‌های مقدس شهیدان روی دست مردم شهر به شهر تشییع می‌شود، این روزنامه‌ها یک کلمه از این حماسه بزرگ نمی‌نویسند، ولی در مقابلش یک چیزهایی را گنده می‌کنند که آدم خیال می‌کند این‌ها دارند طبل دجال را می‌زنند. این چه وضعی است؟))

رفسنجانی که بسیار عصبانی می‌نمود و سخنانش شنوندگان را به یاد سخنان یزدی در نمازهای جمعه می‌انداخت افزود: ((بی‌انصاف‌ها، این جوری انقلاب مردم و افتخاراتشان را به چه کسی می‌فروشید؟ این چه برخوردی است با تولیدات کشور؟ این جا نشسته‌اند می‌گویند ورق پاره می‌سازیم)).

رفسنجانی در ادامه سخنان خود از اعتبار خاتمی که اخیرا به تعریف از او پرداخته بود بهره جسته و افزود: ((وقتی رئیس‌جمهوری که مورد احترام همه آن‌ها نیز هست در یک جلسه‌ای گفت اگر آن دستاوردها نبود این دو سال که نفت مشکل پیدا کرد، کشور دچار بحران می‌شد، دیدید چه کردند و چه حرف‌هایی زدند؟ این چه شیوه برخورد با مسایل است؟ این چه تنویر افکار عمومی است؟ چه آئینه افکار جامعه است؟))

به ادعاهای خودتان هم پای‌بند نیستید!

مجلس شورای اسلامی در طرح ((اصلاح قانون مطبوعات)) تصویب کرد ((هواداران گروه‌های غیرقانونی)) حق شرکت در انتخابات را ندارند. بدنبال تصویب این قانون، وزارت کشور طی نامه‌ای از مقامات قضایی کشور خواست اسامی این گروه‌های غیرقانونی را اعلام کند. در پاسخ به این نامه، دادگاه انقلاب جوابیه‌ای به وزارت کشور فرستاد و بدون پرداختن به ((مصادیق))، اصولی را برای غیرقانونی دانستن گروه‌ها اعلام کرد که از سوی وزارت کشور پذیرفته نشد. این وزارت‌خانه ضمن تکذیب اخباری که در مورد اسامی گروه‌های غیرقانونی در مطبوعات ایران به چاپ رسیده بود، اعلام کرد دادگاه انقلاب حق تعیین قانونی بودن و یا نبودن گروه‌های سیاسی را ندارد و تشخیص این موضوع بر عهده محاکم قضایی و قوه قضاییه است. وزارت کشور اعلام کرده است قوه قضاییه پاسخ نامه آن‌ها را نداده است.

علیرغم این موضوع، صدها تن از داوطلبان نمایندگی مجلس ششم از طرف هیات‌های نظارت شورای نگهبان با استناد به بند ۳ ماده ۳۰ قانون انتخابات رد صلاحیت شده‌اند. این افراد با این اتهام از حق نمایندگی در مجلس محروم شدند که با نهضت آزادی، جنبش مسلمانان مبارز، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان و دانش‌آموختگان، حزب ملت ایران، ائتلاف روشنفکران دینی و روزنامه‌نگاران، مجله ایران فردا و... رابطه سیاسی داشتند و یا عضو یکی از این احزاب و سازمان‌ها بودند. همچنین به سازمان ما و سایر احزاب غیرحکومتی که مایل به شرکت در انتخابات هستند مثل تمام دوره‌های پیشین، اجازه ندادند افراد واجد شرایط را به عنوان کاندید به مردم معرفی کنند. سازمان ما و سایر احزاب و گروه‌های سیاسی اپوزیسیون در حالی از حق شرکت در انتخابات و دخالت در امور مربوط به سرنوشت کشور محروم شده‌اند که تاکنون عملی خلاف مصالح و منافع کشور انجام نداده‌اند و فعالیت آنان در خدمت سربلندی میهن و بهبود زندگی مردم بوده است. ما همانگونه که تاکنون بارها اعلام کرده‌ایم، به هیچ قانون ضددموکراتیکی تن نمی‌دهیم. سازمان ما تعهد خود را به قوانین حقوق بشر که قوانینی عام و جهان‌شمولند و همچنین اصول دموکراتیک مبارزه مسالمت‌آمیز اعلام کرده است و معتقد است این قوانین باید مبنای قانون‌های کشوری و تنظیم مناسبات بین احزاب سیاسی و حکومت قرار گیرد.

ما این موضع را بارها اعلام کرده و با دلایل روشن در مورد آن بحث کرده‌ایم، اما در این جا سخن ما با آن دسته از اصلاح‌طلبانی است که ضوابط دیگری برای فعالیت احزاب دارند و التزام به قانون اساسی و حکومت جمهوری اسلامی ایران را شرط فعالیت احزاب اعلام کرده‌اند. احزاب سیاسی که امروز در ایران ممنوع هستند، به آن‌ها اجازه فعالیت داده نمی‌شود، هوادارانشان سرکوب می‌شوند و به زندان می‌افتند و از حق شرکت در انتخابات و حقوق اجتماعی دیگر خویشتن محروم می‌شوند، به اتکا به کدام قانون و در کدام دادگاه محاکمه و ((غیرقانونی)) شده‌اند؟ وقتی در تاریخ بیست ساله جمهوری اسلامی، حتی یک دادگاه منطبق بر قوانین خود این رژیم تشکیل نشده و یک حزب سیاسی از طریق چنین دادگاهی غیرقانونی نشده است و احزاب به فرمان دادگاه انقلاب و وزارت اطلاعات ((منحله)) اعلام شده‌اند، پس سخن هر روزه در مورد ((احزاب غیرقانونی)) بر کدام پشتوانه حقوقی متکی است؟

علیرغم این که مشتمل حکومت در ادعاهای خود پیرامون ((احزاب غیرقانونی)) کاملاً خالی و ادعاهای آنان متکی بر قوانین خودشان نیز بی‌پشتوانه است، اما برخورد دادگاه انقلاب و سایر نهادهای قضایی، مجلس و... با سازمان ما، احزاب و سازمان‌های غیرحکومتی به گونه‌ای است که گویا ((غیرقانونی)) بودن و ممنوعیت فعالیت همه این احزاب محرز است و دادگاه انقلاب در این برخورد تا آنجا پیش می‌رود که خودسرانه، بدون آنکه از لحاظ قانونی مسئولیتی در زمینه فعالیت احزاب داشته باشد در آستانه انتخابات به وزارت کشور نامه می‌نویسد، سازمان‌ها و احزابی را که پیش از برپایی جمهوری اسلامی تشکیل شده‌اند و از چندین دهه پیش تاکنون برای دمکراسی و مردم‌سالاری در کشور مبارزه کرده‌اند، ((غیرقانونی)) می‌خواند و خواستار حذف کاندیداهای آنان از انتخابات می‌شود.

تاسف‌بار در این جا برخورد اصلاح‌طلبان واقعی و شماری از روزنامه‌های مستقل و گروه‌های اصلاح‌طلب حکومتی است که با این ادعاهای مستبدانه هم‌داستان می‌شوند، در مورد ((گروه‌های غیرقانونی)) قلم‌فرسایی می‌کنند، موجودیت آن‌ها را نادیده می‌گیرند و خیال می‌کنند با نفی موجودیت این احزاب، به واقع نیز می‌توانند آنها را از حق حیات محروم سازند. براستی چرا هیچ‌کدام از روزنامه‌های طرفدار قانونیت و اصلاحات و مردم‌سالاری این پرسش را به میان نمی‌کشند که چرا سازمان‌های اپوزیسیون که مشی مسالمت‌آمیز دارند و از جمله فدائیان خلق ایران - اکثریت نباید بتوانند در کشور حضور آزادانه داشته باشند؟

سازمان ما حضور کاندیداهای احزاب و یا افراد مورد حمایت کانون‌های مستقل را در انتخابات، حق طبیعی و شهروندی مردم ایران می‌داند و به حذف خودسرانه آن‌ها از سوی شورای نگهبان و نهادهای حکومت به شدت معترض است. نهادهای جمهوری اسلامی حق ندارند وابستگان به این احزاب و سازمان‌ها را از حق انتخاب شدن و مردم را از حق انتخاب کردن آن‌ها محروم سازند. نه در قوانین حقوق بشر و نه حتی در قانون اساسی به هیچ مقامی اختیار داده نشده که مردم را از حقوق مدنی‌شان محروم سازند. استناد شورای نگهبان به بند سوم ماده ۳۰ قانون انتخابات بی‌پایه است. در همین قانون نیز که جناح راست در آستانه انتخابات برای محدود کردن حقوق مردم به تصویب رساند، مبنا رای محاکم دادگستری است که آن هم الزاماتی دارد که هیچ‌کدام رعایت نشده است.

به اسلامی که توجیه گر استبداد و تقدیس کننده خشونت و سرکوب و قتل های زنجیره‌ای باشد، نه اعتقاد دارم و نه التزام

هاشم آغاچری از اعضای رهبری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از جمله کسانی است که صلاحیتش توسط هیات‌های نظارت رد شده است. وی در این زمینه به روزنامه فتح گفت:

رد صلاحیت‌هایی که در این دوره توسط هیات نظارت انجام شده است کم کم در حال تبدیل شدن به یک ((جوک)) سیاسی و اجتماعی است. طی چند روز اخیر در پاسخ به سؤال هر کس که علت رد صلاحیتم را جویا شده است، مواد قانونی مورد استناد را عنوان کرده‌ام و اولین عکس‌العمل افراد خنده بوده است، چون به واقع خنده‌دار است. در نامه‌ای که فرماندار تهران برای من ارسال کرده است رسماً نوشته شده که هیات اجرایی استان تهران شما را تایید کرده اما هیات نظارت این تایید را نپذیرفته و صلاحیت شما را رد کرده است با استناد به بند ۱ ماده ۲. به موجب این ماده و بند، این جانب به دلیل عدم اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام جمهوری اسلامی رد صلاحیت شده‌ام. البته من نمی‌دانم، شاید واقعا اسلامی که مورد نظر آن آقایان بوده است، همان اسلامی نیست که بنده به آن اعتقاد و التزام داشته باشم. بنده در همین جا اعلام می‌کنم که آری این جانب به اسلامی که توجیه گر استبداد باشد، ضد آزادی انسان، ناقض کرامت و حقوق انسانی، مبلغ و تقدیس کننده خشونت و سرکوب و قتل های زنجیره‌ای باشد، نه اعتقاد دارم و نه التزام و اگر به این دلیل بنده را رد کرده‌اند به آن‌ها می‌گویم دست مریزاد، کار درستی کرده‌اید. اما اگر اسلامی مورد نظر است که ملت ایران می‌خواهد و به خاطر آن انقلاب اسلامی کرده است و قانون اساسی جمهوری اسلامی هم بر همان اساس نوشته شده است، بنده پیشنهاد می‌کنم که کارنامه و سوابق این جانب و کارنامه و سوابق تمام آن آقایانی که در هیات مرکزی نظارت نشسته‌اند، منتشر و مقایسه شود و خود مردم داوری کنند.

درگیری و اعتصاب کارگری در چندین شهر کشور!

در هفته‌های اخیر کارگران و زحمتکشان چندین شهر کشور در اعتراض به وضعیت معیشتی خود در شهرهای مختلف دست به اعتصاب و اعتراض زدند. اخبار این اعتصابات بسیار بیشتر از آن است که گاه به گاه در روزنامه‌ها به آن‌ها اشاره می‌شود. مطابق گزارش‌ها، در هفته‌های اخیر از جمله در شهرهای سمنان، هفتگل و قزوین تظاهراتی روی داده است.

سمنان:

بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران کارخانه‌های لوله‌سازی خوزستان در برابر ساختمان استانداری خوزستان اجتماع کردند و به عدم پرداخت حقوق چندین ماهه خود اعتراض کردند. کارگران متحصن خواهان ملاقات با استاندار خوزستان و حل فوری مشکل چند ساله خود شدند. یکی از کارگران پیرامون علل این تحسن به خبرنگار روزنامه آزاد گفت: مشکل اصلی این شرکت که بیشترین سهام آن متعلق به بانک صنعت و معدن و شرکت سات کاپ (وابسته به وزارت نیرو) می‌باشد، از دو سال قبل شروع شد و پرسنل را دچار مشکلات زیادی کرد، بخصوص در پرداخت به موقع حقوق. وی گفت: یک گروه ۸ نفره از شورای کارگری به نمایندگی از طرف ما به تهران رفته و چندین بار با مسئولین دیدار نموده‌اند. این دیدارها نتیجه‌ای نداشته است و ما واقعا نمی‌دانیم چگونه می‌توانیم از شرمندگی خانواده خود دربیاییم.

هفتگل:

شهر هفتگل در خوزستان به دلیل چندین بار اعتراضات خیابانی مردم، همچنان در حالت بحرانی قرار دارد. در هفته‌های گذشته مردم این شهر با چندین تجمع در خیابان‌ها خواهان رسیدگی به وضعیت نابسامان شهر خود شدند. مردم شهر می‌گویند با وجود نفت‌خیز بودن هفتگل، درآمدهای کلان نفتی هرگز تاثیر مثبتی در عمران شهری این منطقه و بهبود زندگی مردم نداشته است و این شهر اکنون حالت کاملاً نامساعدی دارد و نیازهای مردم بی‌پاسخ مانده است. گفتنی است که اخیراً طرح الحاق این بخش به رامهرمز به تصویب مجلس رسیده است ولی سهم یک درصدی از درآمدهای نفتی که می‌باید صرف عمران منطقه شود، به مناطق نفت‌خیز مسجدسلیمان واگذار شده است. گزارش‌ها حاکی است که بدنبال تجمع‌های اعتراضی مردم، گروهی از اعتراض‌کنندگان توسط ماموران بخش‌داری دستگیر شده‌اند که این عمل، خشم و اعتراض مردم را افزایش داد و درگیری بین مردم و ماموران را تشدید کرد. به دنبال بازداشت اهالی، مردم به بخش‌داری حمله کردند و خساراتی به آن وارد آوردند.

به دنبال چند روز تظاهرات و ناآرامی در منطقه، استاندار خوزستان خواهان بازگشت و حفظ نظم در هفتگل شد و قول داد که توسط نمایندگان مجلس، شوراهای شهر و روستا یا تشکل‌های دیگری که قانونی هستند، به خواست‌های مردم رسیدگی شود.

قزوین:

به دنبال بازداشت رئیس شورای اسلامی کارخانه ((نقش ایران)) در قزوین توسط ماموران انتظامی، بیش از هشتصد نفر از کارگران این کارخانه در محوطه کارخانه گرد آمدند و علیه دستگیری مصطفی حسینی اعتراض کردند. این اعتراض به زد و خورد شدید با ماموران انتظامی و امنیتی منجر شد. زد و خورد‌ها به اتاق مدیر کارخانه نیز کشیده شد. از دستگیری‌های احتمالی این حادثه گزارشی نرسیده است. کارخانه نقش ایران قزوین مدت‌هاست به علت نداشتن مواد اولیه و کمبود نقدینگی تعطیل شده است و هشتصد کارگر آن با شرایط دشواری روبرو هستند. بین کارگران و شورای اسلامی کار این کارخانه از یک سو و مدیریت آن از سوی دیگر کشمکش و درگیری مدت‌هاست که ادامه دارد و دستگیری رئیس شورای اسلامی کارخانه نیز به دنبال این اختلافات صورت گرفت.

کورش فولادی: افشا خواهم کرد

کورش فولادی زمانی از دانشجویان اسلامی در لندن بود و به جرم اقدامات تروریستی در لندن به زندان افتاد. او پس از آزادی از زندان و بازگشت به ایران ((دوم خردادی)) شد و اکنون از سوی شورای نگهبان ((رد صلاحیت)) شده است. او اخیراً تهدید کرد که اگر صلاحیتش تایید نشود، ماجرای بمبگذاری در لندن را فاش خواهد کرد. به قسمت‌هایی از سخنان او توجه کنید:

من دارای ۷۰ درصد جانبازی، ۱۱ سال زندان هستم، گوش چپم ناشنوا شده و چشم راست را در زندانهای انگلیس از حذقه درآورده‌اند. هم‌اکنون من حق خارج شدن از کشور را ندارم و مرا یک تروریست بین‌المللی من در میان ۷۰ هزار آزاده کشور از دست رئیس جمهور کارت جانبازی گرفته‌ام. آیا اینها حسن شهرت می‌دانند.

است یا سو شهرت؟ من مجلس را اندازه پوزه یک شتر قبول ندارم. اما بحث من این است که ما قبل از تشکیل حکومت اسلامی، مسلمان بودیم. نمی‌دانم کسانی که مرا رد صلاحیت کرده‌اند، درجه‌سنج در دهان من گذاشته‌اند تا درجه مسلمانیم را بسنجند. پس از اظهارنظر شورای نگهبان، خیلی صریح حرف خواهم زد و جریان بمب گذاری در لندن را توضیح خواهم داد!

تظاهرات مردم تبریز به حمایت از چهرگانی

روز جمعه ۱۷ دی ماه، گروهی از مردم تبریز در خیابان انقلاب این شهر به حمایت از محمودعلی چهرگانی دست به تظاهرات زدند و خواستار آزادی هواداران او شدند. به نوشته روزنامه‌های تهران چهرگانی از ((چهره‌های هوادار هویت فرهنگ آذری)) محسوب می‌شود. او که در بین مردم تبریز محبوبیت دارد و در صورت شرکت در انتخابات به احتمال زیاد به مجلس راه می‌یافت، پیش از ثبت‌نام، توسط هواداران جناح محافظه‌کار دستگیر شد و موفق به ثبت‌نام برای انتخابات نگردید. او را بعد از پایان مهلت قانونی ثبت نام کاندیداها آزاد کردند، اما گروهی از هواداران او را تحت تعقیب قرار دادند و عده‌ای از آنها را بازداشت کردند که هنوز هم در زندان به سر می‌برند!

بزرگداشت پنجمین سالگرد درگذشت مهدی بازرگان برگزار شد

پنجمین سالگرد درگذشت مهندس مهدی بازرگان، روز پنجشنبه ۳۰ دی ماه در حسینیه ارشاد در تهران برگزار شد. در این مراسم که صدها نفر در آن شرکت داشتند، چند نفر از فعالین ملی و رهبران نهضت آزادی ایران سخنرانی کردند و خدمات مهندس بازرگان را در جهت تحقق اهداف نیروهای ملی‌گرا در ایران برشمردند.

پیام مشترک

خودسری‌های شورای نگهبان را پایانی نیست!

بنابر آخرین اطلاعیه وزارت کشور، هیئت‌های نظارت شورای نگهبان، صلاحیت ۷۵۸ نفر از نامزدهای انتخابات دوره ششم مجلس را رد کرده‌اند. این در حالی است که بیش از چهار صد تن از این افراد، قبلاً از سوی هیئت‌های اجرایی وابسته به وزارت کشور، مورد تایید قرار گرفته و صلاحیتشان مطابق با موازین قوانین موجود انتخابات تشخیص داده شده بود. باید توجه داشت که وزارت کشور، صلاحیت ۳ درصد از کل نامزدها را رد کرده است. اینک هیئت‌های نظارت، ۴۰۲ نامزد را با کلی‌گویی‌های غیرمستند و به اتهام عدم اعتقاد و التزام عملی به دین اسلام و نظام جمهوری اسلامی و اصل ولایت‌فقیه و یا وابستگی و هواداری نسبت به تشکلهای و احزاب غیرقانونی رد صلاحیت کرده‌اند. شگفت‌آور آن است که سخنگویان شورای نگهبان و روزنامه‌های افراطی وابسته به جناح انحصارطلب و واپسگرا، مدعی هستند که در تصمیم‌گیری، ((قانون)) را کاملاً مدنظر داشته‌اند. اما داده‌ها، جانبدار و جناحی بودن تصمیمات شورای نگهبان را برملا می‌کنند. در میان چهارصد نامزد رد



صلاحیت‌شده، حتی نام یک نفر از وابستگان جناح راست مشاهده نمی‌شود. حال آنکه همه نامزدهای لیست ملی - مذهبی، وابستگان به نهضت آزادی و جبهه ملی، یک‌سوم از نامزدهای جبهه مشارکت اسلامی و طیف گسترده‌ای از روزنامه‌نگاران، نویسندگان، اساتید دانشگاه و هواداران واقعی جنبش دوم خرداد که از محبوب‌ترین و برجسته‌ترین فعالان سیاسی کشور به حساب می‌آیند، حذف شده‌اند. جالب اینجاست که در میان رد صلاحیت‌شدگان، نام ۹ تن از نمایندگان کنونی مجلس نیز به چشم می‌خورد و این امر جانبدار بودن تصمیمات شورای نگهبان را عیان‌تر می‌سازد.

بی‌گمان حذف شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی نظیر دکتر ابراهیم یزدی، مهندس سحابی، حجت‌الاسلام عبدالله نوری، دکتر پرویز ورجاوند، مهندس معین‌فر، دکتر صادق زیباکلام، فریبرز رئیس‌دانا، مهندس عباس عبدی، حمیدرضا جلایی‌پور، سیمای انتخابات مجلس ششم را به شدت خدشه‌دار ساخته، از شور و هیجان عمومی برای مشارکت در کارزار انتخابات می‌کاهد و اساساً بخشی از جامعه سیاسی کشور را که تجلی آزادی‌خواهی و تجدطلبی‌اند، از حضور در مجلس و تاثیرگذاری بر قوه مقننه محروم می‌سازد.

شورای نگهبان به مثابه آخرین برگ برنده جناح تام‌گرا، با این اقدام خود در آستانه انتخابات مجلس، کدام هدف را دنبال می‌کند؟ به باور ما انگیزه محوری شورای نگهبان، جلوگیری از شکست سنگین جناح راست در انتخابات مجلس ششم است که روندهای سیاسی دو سال اخیر و نظرخواهی‌ها و پیش‌بینی‌ها، قطعی بودن آن را مسجل می‌سازند. شورای نگهبان می‌کوشد با حذف چهره‌های برجسته و پرتجربه اصلاح‌طلب، از یک سو شانس پیروزی نامزدهای وابسته به جناح راست را افزایش دهد و از دیگر سو مانع از آن شود تا با ورود شخصیت‌های مقتدر و پیگیر جنبش اصلاح‌طلبی به مجلس ششم، امکان تاثیرگذاری بر این مجلس کاملاً از بین برود. تاکید بر استراتژی تقسیم نیروهای سیاسی، اجتماعی به ((خودی)) و ((غیرخودی)) و پذیرفتن قاطبه نامزدهای ((روحانیون مبارز)) و ((کارگزاران سازندگی)) که در واقع جناح ناپیگیر جبهه اصلاح‌طلبان را تشکیل می‌دهند و برای امر توسعه سیاسی اولویت زیادی قایل نیستند و همچنین رد صلاحیت عبدالله نوری و به میدان آوردن چهره‌ای چون هاشمی رفسنجانی به هدف تسخیر کرسی ریاست مجلس، شمشیر دولبه‌ای است که از یک طرف شکاف در میان جریان‌های دوم خردادی را ژرف‌تر می‌کند و از طرف دیگر نیروهای دگراندیش و آزاداندیش را از دایره قدرت کنار می‌نهد و به این ترتیب بخش معتبری از جامعه سیاسی کشور را از حقوق اولیه خود، یعنی حق انتخاب شدن و انتخاب کردن که در همین قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز تصریح شده است، محروم می‌سازد.

شورای نگهبان امید بسته است که با این تمهیدات و ترفندها بتواند مردم آزادی‌خواه و به ویژه جوانان و دانشجویان را دلسرد و سرخورده نماید، سطح مشارکت آنان را به طور محسوسی کاهش دهد و به این ترتیب با پایین آوردن حد نصاب انتخاب شدن در دور اول، شانس پیروزی نامزدهای جناح راست را افزایش دهد. این تشبثات شورای نگهبان، تا حد زیادی انتخابات را به مفهوم واقعی آن، از مضمون تهی ساخته است.

با توجه به ملاحظات فوق و غیرقانونی و غیرمستند بودن ادعاهای هیئت‌های نظارت شورای نگهبان، امضاکنندگان این بیانیه، ردصلاحیت نامزدهای نمایندگی مجلس را به دلیل دگراندیش و ((غیرخودی)) بودن، شدیداً محکوم می‌کنند. ما از وزارت کشور و دولت آقای محمد خاتمی می‌خواهیم که تسلیم زورگویی و اعمال‌نظر جناحی شورای نگهبان نشوند، رئیس‌جمهوری می‌باید با استفاده از موقعیت خود در مقام پاسدار قانون اساسی، در فرصت کوتاهی که برای اعلام لیست نهایی باقی مانده است، از هیچ کوششی در دفاع از حقوق ملت و حق شهروندی نامزدهای ردصلاحیت شده دریغ نرزد و اگر کوشش‌ها نتیجه نداد، به گونه انتخابات شوراهای عمل کرده و لیست نهایی را بر مبنای تصمیمات هیئت‌های اجرایی به رای و داوری مردم بگذارد.

حزب دمکراتیک مردم‌ایران

سازمان جمهوری‌خواهان ملی ایران

سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

۲۹ دیماه ۱۳۷۸



با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90
شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

<http://www.fadai.org/>
fadai.aksariyat@magnet.at

آدرس کار در اینترنت :
آدرس پست الکترونیکی :

I.G.e.v : آدرس پستی
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان
بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک :
مدت اشتراک : شش ماهه یک ساله تاریخ :

Name: نام :

Address: نشانی :

.....
.....
.....
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)
به آدرس فوق پست کنید!

I.G.e.v : دارنده حساب
22 44 20 32 : شماره حساب
37 05 01 98 : کد بانک
Stadtsparkasse : نام بانک
Köln
Germany